

بسم الله الرحمن الرحيم

دریای عطش

مداخات و مدائى اهلبت عصمت (علیها السلام)

اثر مولود

حاج فرهنگ خدایى اردبیلی

۱۳۹۳

حق چاپ محفوظ است

سرشناسه: خدایی، فرهنگ، ۱۳۴۹ -
عنوان و پدیدآور: دریای عطش / فرهنگ خدایی.
مشخصات نشر: تهران فائزون ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری: ۴۴۸ص: ۱۷-۱۲ د. خ
شابک: ۰-۳۸-۵۱۰۳-۶۰۰-۹۷۸

یادداشت: فیبا

موضوع: فلسفه -- ایرانی -- قرن ۱۴
موضوع: فلسفه -- مذهبی -- ترکی -- قرن ۱۴

د. فاضل کنگره: ۵: ۱۶۰۹ خ PL ۳۱۴

رده: ۱۷۱: ۳۶۱۱ ۸۹۴

شماره: ۹۳۱۲۵۱۴



کتابخانه ملی و اسناد ایران

دریای عطش

سراینده: فرهنگ فدایی

ناشر: مؤسسه نشر فائزون

چاپ اول: ۱۳۹۳

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

حروفچینی: فائزون

چاپ: پیام

شابک: ۰-۳۸-۵۱۰۳-۶۰۰-۹۷۸

ISBN: 978 - 6008 - 5103 - 38 - 0

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با نام و یاد آن هستی بخش بی همتا و آن قدرت
لایزال و لایزال که قلم را آفرید و به آفریده خود
قسم یاد کرد.

قلم را آفرید و به آن قدس و پاکی بخشید.

قلم را آفرید تا جوهر آن زهره اعتلای حقیقت و
کرامت مخلوقات او باشد.

قلم را مانند چشم بصیری آفرید تا پیونده اشکهای او
سپیدی اقبال خلایق را به آنان نمایان سازد.

قلم را آفرید و به آن قسم یاد کرد تا اسم او در زمان
زمان حرمت آن آفریده و آفریدگار را محفوظ دست

و جز در راستای رضای او قلم نزنند.

و با سلام و صلوات به اشرف انبیاء والمرسلین و ارواح طیبه ائمه معصومین علیهم السلام و با درود بی پایان به روان پاک علمداران نهضت سرخ و همیشه جاوید باشند و با ادای احترام به حافظان مکتب سرور و سالار شیعیان حضرت حسین ابن علی علیه السلام آن حسینی که جز در مسیر رضای حضرت باری تعالی قدم نزد.

آن حسینی که در رخشنده مانند شمع به محفل آزادگی روشنایی بخشید و مرادگان جهان را تا انتهای عالم هستی به دور پرچم «لا اله الا الله» روانه کرد. آن حسینی که با سیل خون سرش استبداد را در هم کوبید و با اشکهای زلال اهل بیتش حسرت سبز بندگی و سرافرازی را آبیاری کرد.

آن حسینی که فرش کربلا را کعبه آمال عرش ساخت.

آن حسینی که با جوهر خون جبین خود بر تارک
تاریخ نوشت «ظلم در هیچ کجای این گیتی پنهان
پایدار نمی ماند و خون بر شمشیر پیروز است».
آن حسینی که با هیچ قدرتی مماشات نکرد مرگ
سرخ به ندگی رنگین و ننگین ترجیح داد.

واردی بیر یول تمن ریشه سی یردن قازولا
اودا تنها بول منور منیت پوزولا
سازمان مللون سردن اوسته یازولا
نهضت زند نقط نهضت عاشورادی
کل دنیا به حسین این مولادی

در طلعه مقدمه این مجموعه اقرار می کنم که این
اربابی که قلم قطره ای از اقیانوس فضایلش را به
تصویر کشید نوکر شایسته ای نبوده ام.

برای آن مولایی که سپیدی بامداد هستی و امداد
جمال منور اوست جز روسیاهی چیزی به ارمغان
نیاورده‌ام و با همه تیرگیهای درون، گاه رو به ساحت
دور منم و می‌گویم یا ابا عبدالله:

«بدایا غم می‌بایست غریق خون آموخت

که روسیاهی ما نیز چاره‌ای دارد»
وقتی خودم را به آسمان آزادگی نوکر قلمداد
می‌کنم بیش از پیش به غم پیش پی می‌برم. گاه از
لابه‌لای پیچ و خم اعمال خود به سراط مستقیم آن
همای سعادت خیره می‌شوم غرق در غم و خودم را فرا
می‌گیرد و غریبی او را بیشتر احساس می‌کنم.
وقتی به لنگ بودن در علم فکر می‌کنم و با صاحب‌دلی
را می‌بینم که اعمالم در میان من و او ایجاد کرده به
می‌فهمم با یارانی مثل من او هنوز هم تنهاست.

چه کنم با همه کاستیها و قصوراتم و با همه شر مساریم

ز دنیای دنی سیرم

از این کاشانه دلگیرم

باست او زمینگیرم

از او حیه می گیرم

برایس شنه می میرم

لب عطشان لب عطشانم

حسین را دوست می دارم

ز قید دهر دون رستم

به بحر عشق پیوستم

ثناگوی تهی دستم

گاهی هُشیار و گه مستم

خلاصه هر چه که هستم

غلام شاه مراد

حسین را دوست می دارم

با این توصیف کتاب حاضر که اثر دوم این حقیر بنام «دریای عطش» در منظر نظر علاقه‌مندان عزیز و عاشقان صادق اهل بیت علیهم‌السلام قرار می‌گیرد. اقرار می‌کنم که اثر اولم: «صهای عطش» مملو از نقایص کلامی و معنیب معانیست.

«برکت» است تحفه درویش

چه کند بینوا همین دارد»

امید آن دردم که اربابان ادب و امیران کلام به این دِلنوشته‌های شریف و دانه‌آغماض نگریسته و قصورات این بنده پیر را به وسعت کرم ارباب کونین ببخشند.

ملتمس دعا

مستجاب خدایی پبله‌رود

۱۳۹۳

تقدیم به روح پدر و مادر عزیزم که وقتی

حضرت امام حسین علیه‌السلام را می‌شنیدند اشک

در چشمانشان حلقه می‌زد